



# ریتم و عکاسی

مهساقیابی

## مقدمه

ریتم در هنرهای تجسمی معنای نزدیکی دارد به معنایی که در موسیقی به آن اطلاق می‌شود. یعنی تکرار منظم و باقاعده یا به عبارتی سازماندهی شده. اما در هنرهای تجسمی تکرار منظم یا هماهنگ خطوط، اشکال، فرم‌ها یا رنگ‌ها است که ریتم را ایجاد می‌کند. ریتم انواع متفاوتی دارد که می‌توانید همه انواع آن را به راحتی در اطراف خود پیدا کنید. میله‌های چراغ‌برق؛ نرده‌ها، میوه‌های چیده شده در میوه‌فروشی‌ها، صفوف نمازگزاران و... در معماری تقریباً تمامی انواع بناها از اجزائی تشکیل شده‌اند که تکرار می‌گردند. تیرها و ستون‌ها، درها و پنجره‌ها تکرار می‌شوند.

در مبانی هنرهای تجسمی ریتم‌ها را معمولاً در ۴ دسته طبقه‌بندی می‌کنند اما تصاویر ریتمیک را می‌توان از ترکیب یک یا دو نوع ریتم هم به وجود آورد و یا در محیط اطراف کشف کرد. در اینجا با توجه به کاربرد ریتم در عکاسی آن‌ها را در ۴ دسته طبقه‌بندی کرده و توضیح داده‌ام و در نهایت به موضوع شکستن ریتم پرداخته‌ام. چهار نوع از ترکیباتی که با ریتم می‌توان در عکاسی ایجاد کرد: کیفیت بصری که ریتم در تصویر ایجاد می‌کند را می‌توان ترجمه دیداری حسی دانست که بر اثر شنیدن موسیقی ایجاد می‌شود. گرچه برای خلق یک آهنگ، ریتم یکی از اصول پایه هست اما ریتم در هنرهای تجسمی، فقط

یکی از کیفیات بصری است که به عمد توسط هنرمند در ترکیب‌بندی کار لحاظ می‌شود. ریتم، کیفیت تجربه درک اثر توسط مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کمک می‌کند که چشم بیننده در طول اثر حرکت کرده و مدت بیشتری توقف کند. چه ریتم، ریتمی یکسان باشد چه از تناوب در رنگ، اندازه یا فرم اشیا پدید آمده باشد. الگوها یا بافت‌ها هم لزوماً از تکرار ریتم‌ها ایجاد می‌شوند اما ریتم الزاماً از تکرار یک فرم ثابت به وجود نمی‌آید. اجازه بدهید نگاهی داشته باشیم به انواع ریتم و راه‌های خلق و دریافت آن در عکاسی. **کلیدواژه‌ها:** ریتم، انواع ریتم، عکاسی





جای خود را تغییر دهید و به سمت دیگر جاده بیاید. کادر را به گونه‌ای تنظیم کنید که چراغ اول بزرگ‌تر باشد و همان‌طور که تصویر به عمق می‌رود چراغ‌ها کوچک‌تر شوند تصویری با ریتم پیش‌رونده ایجاد کرده‌اید. مثال دیگر حلقه‌های ایجاد شده در سطح آب پس از پرتاب سنگ در آن است.

#### ریتم موجی شکل:

۰۴

این ریتم‌ها نرم‌تر هستند و تغییر جهت یا شکل یا فرم پیش‌بینی‌پذیری ندارند اما تکرار آن‌ها محسوس و قابل‌درک هستند. مانند تپه‌ها، ابرها و یا مناظری که حرکت باد در علفزار ایجاد می‌کند. ریتم‌ها می‌توانند به‌تنهایی خود سوژه

کنار جاده پیدا کرد. یا نظیر صدایی این‌چنین: «دنگ-دینگ-دنگ-دینگ...»

اختلاف بین دو عنصر تکرارشونده می‌تواند در اندازه، رنگ و یا حتی فرم آن‌ها باشد.

#### تکرار پیش‌رونده:

۰۳

در این نوع ریتم، فرم تکرارشونده با حالتی پیش‌بینی‌پذیر و به‌تدریج در اندازه یا فاصله یا جهت، تغییر می‌کند.

برای مثال ممکن است در یک سوی جاده ایستاده باشید و از دید کاملاً روبه‌رو عکسی از تیرهای چراغ‌برق آن سوی جاده بگیرید. ریتم شکل گرفته در این تصویر از نوع اول است. اما اگر

#### تکرار کاملاً مشابه:

۰۱

ابتدایی‌ترین شکلی که منجر به ایجاد ریتم در تصویر می‌شود به این شکل است که عناصر مشابه با یک قاعده مشخص در کنار هم تکرار شوند. این قواعد می‌تواند فاصله عناصر از یکدیگر، فرم یا اندازه مشابه آن‌ها باشد. مثل پنجره‌های مشابه یک آپارتمان، یا تیرهای برق کنار جاده. چنین ریتمی را می‌توان با تکرار یک نت ساز با فواصل مساوی شبیه‌سازی کرد. «دنگ-دنگ و...»

#### تکرار یک در میان:

۰۲

این نوع ریتم را می‌توان در پارچه‌های دو رنگ راه‌راه، یا خطوط عابر پیاده، یا علائم رانندگی

هر چه قدر  
که یک ریتم  
تکرارشونده  
ساده می تواند  
القای ثبات،  
یکدستی و  
آرامش کند، به  
هم ریختن آن  
با یک عنصر  
متفاوت می تواند  
برهم زنده تمام  
این حس ها باشد



خود را چنین شکار می کنند. به این ترتیب ریتم های بصری به عنوان موتور محرک سوژه اصلی یا موضوع، مقدم بر زمینه به کار می آیند. مخاطبان شما این عنصر مزاحم برای ریتم پس زمینه را به سرعت به عنوان سوژه اصلی شناسایی خواهند کرد.

به عنوان مثال یک دختر بچه با چادر سفید در میان انبوه نمازگزاران با چادر سیاه، یا ردیفی از میله های یک اندازه و یک شکل که تنها بر روی یکی از آن ها پرندهای نشسته باشد. ریتم در صحنه عکس شما می تواند پس زمینه ای باشد که داستان اصلی در آن اجرا می شود. امواج یکسانی که شما را به قایقی روی آب هدایت می کند، و چشم بیننده شما را در سفری که در پیش دارد به یک باره با سوژه ای برای دیدن بیشتر دعوت می کند.

به صداهای آرامش بخش و زیبایی فکر کنید که در طبیعت می شنوید و این صداها فقط از تکرار یک ریتم ایجاد می شوند. مثل صدای قلب، شرشر آب، صدای آرام امواج آب یا صدای پیچش باد در شاخه های درختان.

#### برهم زدن ریتم:

هر چه قدر که یک ریتم تکرارشونده ساده می تواند القای ثبات، یکدستی و آرامش کند، به هم ریختن آن با یک عنصر متفاوت می تواند برهم زنده تمام این حس ها باشد. به همین دلیل بسیاری از عکاسان و هنرمندان برای تأکید بیشتر بر سوژه اصلی آن را در زمینه ای از عناصر تکرارشونده قرار می دهند و یا تصویر

عکاسی باشند. مثل عکس نمای نزدیک از پوست یک گورخر یا سه سیب در یک ردیف.

ریتم های باقاعده می توانند مجموعه ای از حس های خوب و درهم تنیده را در بیننده ایجاد کنند. ترغیب یا تشویق یا تأکید بیشتر بر احساساتی که فقط با تکرارهای دوست داشتنی و نه خسته کننده ایجاد می شود.

همچنین می توانند بر حسی که کل مجموعه عناصر می خواهند ایجاد کنند تأکید کنند و صداقت و درستی سوژه را با تأکید بیشتری نشان دهند. با استفاده از ریتم شما مشارکت هر چه بیشتر بیننده را پیرامون موضوعی که به اشتراک گذاشته اید دریافت خواهید کرد. باز هم برای مقایسه این حس با موسیقی